



# سخنرانے در انجمن مبلغان آمریکایے

فردریک داگلاس





---

# سخنرانے در انجمن مبلغان آمریکایے

فردریک داگلاس



**توانا**  
TAVANA

آموزشکده آنلایین  
برای جامعه مدنی ایران

e-collaborative

*for civic education*

---



آموزش‌شکده آنلاین  
برای جامعه مدنی ایران

<http://www.tavaana.org>

پروژه

e-collaborative  
*for civic education*

<http://www.eciviced.org>

---

## سخنرانی در انجمن مبلغان آمریکایی

Address to the American Missionary Association

---

نویسنده: فردریک داگلاس (Frederick Douglass)

---

مترجم: آموزش‌شکده توانا (آموزش‌شکده الکترونیکی برای جامعه مدنی ایران)

---

ناشر: E-Collaborative for Civic Education

---

عکس روی جلد: Frederick Douglass (circa 1879)  
by George Kendall Warren

---

© E-Collaborative for Civic Education 2019

## e-collaborative for civic education

ECCE (E-Collaborative Civic Education) یک سازمان غیرانتفاعی در ایالات متحده آمریکا، تحت 501c3 است که از فن آوری اطلاعات و ارتباطات برای آموزش و ارتقای سطح شهروندی و زندگی سیاسی دموکراتیک استفاده می کند.

ما به عنوان بنیانگذاران و مدیران این سازمان اشتیاق عمیق مشترکی داریم که شکل دهنده ایده های جوامع باز است. همچنین برای ما، شهروند، دانش شهروندی، مسئولیت و وظیفه شهروندی یک فرد در محافظت از جامعه سیاسی دموکراتیک پایه و اساس کار است؛ همان طور که حقوق عام بشر که هر شهروندی باید از آن ها برخوردار باشد، اساسی و بنیادی هستند. ECCE دموکراسی را تنها نظام سیاسی قادر به تأمین طیف کاملی از آزادی های شهروندی و سیاسی برای تک تک شهروندان و امنیت برابری و عدالت می داند. ما دموکراسی را مجموعه ای از ارزش ها، نهادها و فرایندها می دانیم که مبشر صلح، توسعه، تحمل و مدارا، تکررگویی و جوامعی شایسته سالار است که به کرامت انسانی و دستاوردهای انسانی ارجح می گذارند.

ما پروژه اصلی ECCE یعنی «آموزشکده توانا: آموزشکده مجازی برای جامعه مدنی ایران» را در سال ۲۰۱۰ تأسیس کردیم. آموزشکده توانا در ارایه منابع و آموزش در دنیای مجازی در ایران، یک نهاد پیشرو است. توانا با ارایه دوره های آموزشی زنده در حین حفظ امنیت و با ناشناس ماندن دانشجویان، به یک جامعه آموزشی قابل اعتماد برای دانشجویان در سراسر کشور تبدیل شده است. این دروس در موضوعاتی متنوع مانند نهادهای دموکراتیک، امنیت دیجیتال، حقوق زنان، وب نویسی، جدایی دین و دولت و توانایی های رهبری ارایه می شوند. آموزشکده توانا آموزش زنده دروس و سمینارهای مجازی را با برنامه هایی مثل مطالعات موردی در جنبش های اجتماعی و گذارهای دموکراتیک، مصاحبه با فعالان و روشنفکران، دستورالعمل های خودآموز، کتابخانه مطالب توصیفی، ابزارهای کمکی و راهنمایی برای آموزشگران ایرانی و حمایت مداوم و ارایه مشاوره آموزشی برای دانشجویان تکمیل کرده است.

تلاش ما برای توسعه توانایی های آموزشکده توانا متوجه گردآوردن بهترین متفکران ایرانی و صداهای حذف شده است. به همین ترتیب، به دنبال انتشار و ارتقای آثار مکتوب روشنفکران ایرانی هستیم که ایده های آنان در جمهوری اسلامی ممنوع شده است.

یکی از نقاط تمرکز تلاش توانا، ترجمه متون کلاسیک دموکراسی و مقالات معاصر در این باره و نیز ترجمه آثار مرتبط با جامعه مدنی، حقوق بشر، حاکمیت قانون، روزنامه نگاری، کنشگری و فن آوری اطلاعات و ارتباطات است. امید ما این است که این متون بتواند سهمی در غنای فردی هموطنان ایرانی و بساختن نهادهای دموکراتیک و جامعه ای باز در ایران داشته باشد.

سپاسگزار بازتاب نظرات و پیشنهادهای شما

مریم معمارصادقی

اکبر عطری

M. Memar Sadeghi

Akbar Attari



## مقدمه

فردریک داگلاس<sup>۱</sup> (۱۸۱۷ - ۱۸۹۵) در مریلند، برده چشم به جهان گشود. او به شمال گریخت و در آنجا داستان زندگی‌اش را تحت عنوان «روایت زندگی فردریک داگلاس» به رشته تحریر در آورد. گذشته از آن، او نشریه‌ای به نام «ستاره شمال» منتشر کرد که ویرایش آن را نیز بر عهده داشت. داگلاس همه زندگی‌اش را وقف جنبش سیاه‌پوستان کرد.

گزیده‌ای که در ادامه آمده آخرین سخنرانی عمومی او است که در سال ۱۸۹۴ در ماساچوست ایراد کرد. داگلاس در این سخنرانی مروری کرده است بر آنچه پس از آزادی بر سیاه‌پوستان گذشت و تلاش‌هایی که برای بازسازی جنوب صورت گرفت. حتی در نیوانگلند<sup>۲</sup> با سیاه‌پوستان در استخدام و اشتغال منصفانه رفتار نمی‌شد. در جنوب، که از هر ده نفر سیاه‌پوست آمریکایی ۹ نفرشان در آنجا سکونت داشتند، وضعیت

۱- Frederick Douglass (۱۸۱۸ - ۱۸۹۵) از برجسته‌ترین رهبران قرن نوزدهم در مبارزات حقوق بشری بود. قدرت سخنوری و ادبی او موجب شد از پیشگامان جنبش آزادی برده‌داری شود. داگلاس اولین شهروند سیاه‌پوست آمریکایی بود که در سمت‌های مهمی در دولت آمریکا خدمت کرد.

۲- New England منطقه‌ای است مشتمل بر شش ایالت در شمال شرقی ایالات متحده آمریکا. یعنی ایالات مین (Maine)، ورمونت (Vermont)، نیوهمپشایر (New Hampshire)، ماساچوست (Massachusetts)، رود آیلند (Rhode Island) و کنتیکات (Connecticut). این منطقه از شرق و جنوب شرقی با اقیانوس اطلس، از غرب با نیویورک و از شمال و شمال شرقی با کانادا هم‌مرز است.

سیاه‌پوستان به مراتب بدتر از شمال بود. در دوره بازسازی (۱۸۶۵ - ۱۸۷۷)<sup>۳</sup> شمال موفق شد جنوب را وادار کند که به سیاه‌پوستان حق رأی بدهد، اما همان‌طور که داگلاس تأکید می‌کند صرف اعطای آزادی سیاسی در قانون برای چیره‌شدن بر خلل‌های بزرگی که یک عمر اسارت تحمیلی بر جای گذاشته بود، کفایت نمی‌کرد. به باور او با توجه به موانع عظیم موجود، پیشرفت‌هایی که در سه دهه اول آزادی حاصل شد چشم‌گیر بود. با وجود این داگلاس به اندازه کافی به تحولات هشداردهنده‌ای که در جنوب در حال تکوین بود توجه نمی‌کرد یا شاید از سرخوش‌بینی آگاهانه آن‌ها را نادیده می‌گرفت. طی دهه ۱۸۹۰ و اولین دهه قرن بیستم، دولت‌های حاکم در سراسر جنوب با توسل به افزار قانونی سیاه‌پوستان را از حق رأی دادن محروم کردند و دیوان‌عالی در تشخیص این نقض صریح و آشکار قانون اساسی تعلل کرد؛ در حالی که اعمال محدودیت بر حق رأی‌دادن، که در اصلاحیه پانزدهم قانون اساسی<sup>۴</sup> تضمین شده بود، کاملاً با قانون اساسی مغایر بود. باور داگلاس به این‌که «قانون اساسی کشور با ما است» متأسفانه در این مورد به خطا رفته بود. مقاومتی که صاحبان خطوط آهن، قایق‌های بخاری و هتل‌ها در جنوب مقابل سیاه‌پوستان نشان می‌دادند و داگلاس از آن به عنوان پیشرفت سیاه‌پوستان یاد می‌کند، به این معنی پیشرفت بود که در آن هنگام «سیاه‌پوستان تحصیل کرده، با فرهنگ و برآزنده» ای بودند که می‌خواستند از آن تسهیلات استفاده کنند، اما پاسخ سفیدپوستان حاکم به آن پیشرفت، بدعت گذاشتن یک سیستم پیچیده تبعیض نژادی بود که عمداً طوری طراحی شده بود تا سیاه‌پوستان را «سر جای خود بنشانند» و تفوق سفیدپوستان را تضمین کند. آن سیستم - که تبعیض نژادی به طور قانونی در آن اعمال می‌شد - تا جنگ دوم جهانی ادامه یافت؛ بدون آن‌که هرگز به طور جدی مورد سوال قرار گیرد. اضمحلال آن نیز به کندی و با تلاش بسیار میسر شد.

۳- Reconstruction یا دوره بازسازی در سال‌های ۱۸۶۵ - ۱۸۷۷، در خاتمه جنگ داخلی آمریکا آغاز شد. طی این سال‌ها تلاش‌های گسترده‌ای برای رفع تبعیض‌های ناشی از برده‌داری و میراث این سنت در زندگی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایالات متحده آمریکا و مشکلات ناشی از پیوستن دوباره یازده ایالت، که قبل از جنگ یا در حین جنگ از این کشور جدا شده بودند، صورت گرفت. سه اصلاحیه سیزدهم، چهاردهم و پانزدهم قانون اساسی، که حقوق کامل شهروندی بردگان آزادشده را تضمین می‌کرد، در این دوره تصویب شد.

۴- Fifteenth Amendment to the United States Constitution (1870, February 3) یا اصلاحیه پانزدهم قانون اساسی آمریکا که به موجب آن مقرر شد دولت فدرال یا دولت‌های ایالتی حق شهروندان ایالات متحده را به سبب نژاد، رنگ یا شرایط سابق بردگی نفی یا محدود نکنند و به کنگره اختیارات کافی داده شد تا با وضع قوانین مقتضی مفاد این اصلاحیه را به اجرا گذارد.



## سخنرانی در انجمن مبلغان آمریکایی<sup>۵</sup>

گاه تصور می‌رود یا گفته شده است که تا کنون شمال، با نوع دوستی‌اش به قدر کفایت در راه پیشرفت معنوی و دینی سیاهان کوشیده است؛ که زمان آن رسیده است که دیگر نیازی به این گونه مساعدت‌ها نباشد؛ که اکنون وقت آن است که سیاهان را به حال خود بگذاریم تا راه خود را پیدا کنند؛ که سفیدپوستان این سرزمین با اعاده آزادی به سیاهان تکلیف خود را در قبال آن‌ها به کمال و در نهایت انصاف ادا کرده‌اند. در پاسخ به این موضع‌گیری باید بگویم که اگر با عدالت و انصاف بنگریم، مطالبات سیاهان به این سهولت برآورده نمی‌شود. صرف آزاد کردن بردگان حقیقتاً کاری بود بس بزرگ و شگرف اما موجب رفع عواقب بردگی نشد و نمی‌توانست جبران خطایی باشد که طی قرن‌ها بر بردگان تحمیل شده بود. خاتمه‌دادن به اسارت جسمی بردگان کاری بزرگ و شگرف بود، اما ضایعات مخرب اخلاقی و ذهنی بردگی میراث دهشتناکی در بردگان به جا گذاشته بود که با لغو اسارت جسمی زودده نمی‌شد ...

---

۵- American Missionary Association (AMA) یا «انجمن مبلغان آمریکا» در سال ۱۸۴۶ از ادغام سه انجمن مبلغ آیین مسیحیت تأسیس شد. این سازمان در مبارزات ضد برده‌داری فعالیت‌هایی گسترده داشت و در حین جنگ داخلی و در خاتمه آن فعالیت‌های خود را بر ایجاد فرصت‌های آموزشی برای سیاهان آزادشده متمرکز کرد و تعداد بسیاری مدرسه ابتدایی و متوسطه، کالج و کلیسا در ایالات جنوبی احداث و اداره کرد.

در پاسخ به این پرسش که با سیاهان چه باید کرد من گاهی گفته‌ام «لازم نیست با آن‌ها کاری کنید؛ کافی است با آن‌ها منصفانه رفتار کنید و آن‌ها را به حال خودشان بگذارید.» اما کسانی که این جمله را از قول من نقل کرده‌اند مصلحت را در آن دیده و این‌طور پسندیده‌اند که تاکید گفتار مرا فقط بر بخشی از آن جمله نقل کنند؛ آن‌ها با طیب خاطر آن بخش از توصیه مرا که «سیاهان را به حال خود بگذارید» پذیرفته‌اند، اما این که «با آن‌ها منصفانه رفتار کنید» را نپسندیده‌اند. برای برخی از آمریکایی‌ها همیشه سهل‌تر بوده است که نقش کاهن یهودی و خادم خانه خدا را ایفا کنند، نه سامری نیکو را؛<sup>۶</sup> که سیاهان را به حال خود واگذارند، نه این‌که با آن‌ها مناسباتی بر پایه انصاف برقرار کنند. حتی در همین نیوانگلند، که روشن‌ضمیرترین و نوع‌دوست‌ترین مردم کشور ما در آن سکونت دارند، سیاهان تقریباً از حق اشتغال در همه حرفه‌های سودآور محروم‌اند. من شخصاً این محرومیت را تجربه کرده‌ام. شصت و پنج سال پیش وقتی از جنوب به این‌جا آمدم کار حرفه‌ای بلد بودم و می‌توانستم با پیشه‌ای که آموخته بودم روزی سه دلار در آمد داشته باشم، اما برادران سفیدپوستم، همان‌ها که برای هر وعده نان روزانه‌شان دعای شکرگزاری ادا می‌کردند، مایل نبودند من هم با همان روش‌هایی تا مین معاش کنم که آن‌ها می‌کردند. من به‌ناچار در ازای روزی یک دلار کار می‌کردم در حالی که دیگرانی که در همان حرفه من اشتغال داشتند روزانه سه دلار می‌گرفتند. اما برگردم به صحبت اصلی. وقتی سال‌های طولانی بردگی را در نظر بگیریم - سال‌های جهل تحمیلی، سال‌های ستم، منازعات بی‌رحمانه و خفتی که سیاهان محکوم

---

۶- در این‌جا اشاره فردریک داگلاس به حکایت سامری نیکو در انجیل (لوقا، سوره ۱۰: ۲۵) است که مضمون آن چنین است: ... «یک یهودی از اورشلیم به آریحا می‌رفت. در راه به دست راهزنان افتاد. ایشان لباس و پول او را گرفتند و او را کتک زده، نیمه‌جان کنار جاده انداختند و رفتند. از قضا کاهنی یهودی از آن‌جا می‌گذشت. وقتی او را کنار جاده افتاده دید راه خود را کج کرد و از سمت دیگر جاده رد شد. سپس یکی از خادمان خانه خدا از راه رسید و نگاهی به او کرد، اما او نیز راه خود را در پیش گرفت و رفت. آن‌گاه یک سامری از راه رسید [یهودی‌ها و سامری‌ها با یکدیگر دشمنی داشتند]. وقتی آن مجروح را دید دلش به حال او سوخت. نزدیک رفت و کنارش نشست، زخم‌هایش را شست و مرهم مالید و بست. سپس او را بر الاغ خود سوار کرد و به مهمانخانه‌ای برد و از او مراقبت کرد. روز بعد هنگامی که آن‌جا را ترک می‌کرد مقداری پول به صاحب مهمانخانه داد و گفت: «از این شخص مراقبت کن و اگر بیش‌تر از این خرج کنی وقتی برگشتم پرداخت خواهیم کرد!» حال به نظر تو کدام یک از این سه نفر، همسایه آن مرد بیچاره بود؟ جواب داد: «آن که به او ترحم کرد و کمکش کرد.» عیسی فرمود: «تو نیز چنین کن!»

به تحمل آن‌ها بودند - مسئولیت ملت به وا گذاشتن سیاهان به حال خود خلاصه نمی‌شود و نباید بشود.

حتی اگر شمال می‌توانست از سر نوع دوستی به هر نقطه تاریک در جنوب یک مبلغ بفرستد، اگر می‌توانست در بالای هر تپه‌ای در جنوب کلیسایی بنا کند و در آن کلیسا واعظی بگمارد و در هر وادی‌ای مدرسه‌ای بسازد و در آن معلمی بر سر کار بگذارد، پنجاه سال دیگر هم نمی‌توانست جبران خسارت بردگان آزاد شده را در ازای عذاب و رنجی که طی سالیان دراز متحمل شده بودند بکند. مردم شمال باید به یاد داشته باشند که مشاء بردگی و خفتی که به سیاهان تحمیل شد همانا قدرت یک ملت بود؛ که شمال هم در این کار ناصواب همراه بود؛ که جبران و بخشودگی یک گناه جمعی مستلزم ندامت جمعی است.

در هیچ کجای دنیا هیچ مردمی در شرایطی نامطلوب‌تر از بردگان ما در ایالات جنوبی آزاد نشدند؛ شرایطی که برای تکامل ذهنی، اخلاقی و جسمی بسیار نامساعد بود. آن‌ها آزاد نشدند چون آحاد ملت اخلاقاً باور داشتند که می‌بایست آن‌ها را از قید اسارت آزاد کرد، آن‌ها آزاد نشدند چون آزادی موهبتی بود که باید به آن‌ها داده می‌شد؛ بلکه آن‌ها آزاد شدند تا اربابانشان مجازات شوند. هدف تقویت برده‌های آزاد شده نبود؛ تضعیف یاغیان بود. هنگامی که آزاد شدن بردگان را این‌گونه بنگریم طبیعی است که آزادی آن‌ها با ناخشنودی اربابان سابق توأم شد و آن‌ها مصمم شدند کاری کنند که این آزادی برای بردگان نه یک موهبت، یک مصیبت باشد. در بسیاری از موارد هم در دستیابی به این هدف نسبتاً موفق شدند. گذشته از این، شیوه آزاد کردن بردگان هم بر ضد آن‌ها بود؛ آن‌ها بردگان را در زیر این آسمان رها کردند ولی بردگان آزاد شده یک وجب خاک نداشتند که پایشان را روی آن بگذارند تا حداقل بایستند، یک قطعه افزار کار نداشتند که با آن مزرعه‌داری کنند؛ آن‌ها سیاهان را به دست طبیعت سپردند، به گرسنگی، به فلاکت، بدون یک سکه پول، بدون هیچ یاور، تنهای تنها در مقابل طوفان بی‌رحمانه خشم ارباب سابق. ارباب سابق، که هنوز زمین و قدرت داشت، می‌توانست با اتکا به آن‌ها برده‌اش را خرد کند. در مقابل، برده هیچ چیز نداشت تا از خود دفاع کند. تنها تفاوت وضعیت گذشته او با زمان حالش، این است که قبلاً ارباب می‌توانست به او بگوید: «تو باید برای من کار کنی و گرنه آن‌قدر با شلاق تو را خواهم زد تا از پا در آیی»، اما امروز ارباب می‌تواند به او بگوید: «تو باید برای من کار کنی و گرنه کاری می‌کنم که از شدت گرسنگی از پا در آیی.» این چنین است وضعیت امروز سیاهان.

هیچ ملت دیگری در هیچ کجای دنیا و در هیچ زمانی با بردگانی که آزاد کردند این گونه رفتار نکردند. وقتی در روسیه بیست میلیون برده آزاد شدند، دولت به رئیس هر خانوار سه هکتار زمین و افزار کار داد تا بتوانند زراعت کنند. لغو برده‌داری در روسیه با ترحم به بردگان و عزت برای دولت خودکامه روس همراه بود. جای بسی تأسف است که نمی‌توان به این ملت و به این حکومت چنین عزتی را در لغو برده‌داری نسبت داد. بردگان را رها کردند؛ بیمار و سالم، قوی و ضعیف، جوان و پیر همگی در فلاکت مطلق، تقریباً حتی تن‌پوش‌شان متعلق به خودشان نبود ...

وقتی فلاکت غیر سفیدپوستان ایالات متحده آمریکا را در زمانی که از اسارت آزاد شدند در نظر بگیریم، جای شگفتی نیست که این همه از تمدن سفیدپوستان دور مانده‌اند، بلکه شگفتی در میزان و سرعت دستیابی آن‌ها به پیشرفت‌هایی است که شواهد و قرائن نشان می‌دهد ...

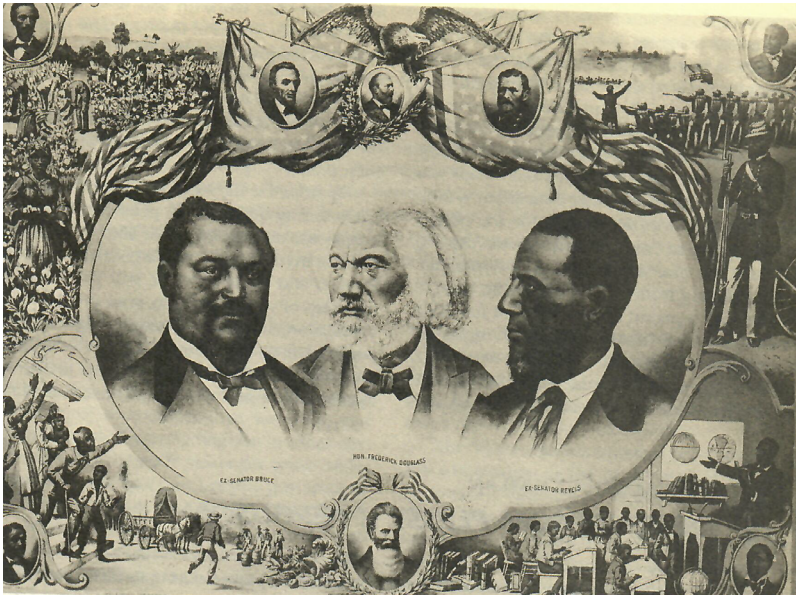
با همه شرایط ناامیدکننده‌ای که این مشکل را، که به غلط مشکل سیاهان خوانده می‌شود، احاطه کرده است من به آینده خوشبینم. گاهی می‌گویند که امروز غیر سفیدپوستان در شرایطی به مراتب بدتر از عهد بردگی به سر می‌برند. این به باور من گزافه‌گویی محض است. قانون اساسی مملکت با ما است. ما امروز در مدارس کشور هزاران آموزگار و صدها هزار دانش‌آموز داریم. شمار کسانی که از ما حمایت می‌کنند امروز به میلیون می‌رسد. در بسیاری از ایالات از حق رأی‌دادن برخورداریم. در برخی ایالات افراد غیر سفیدپوستی داریم که صاحب مقام و مصدر امورند. این که به واسطه یک اصلاحیه ویژه در قانون اساسی شهروند ایالات متحده آمریکا محسوب می‌شویم امتیاز کمی نیست. همین مقاومتی که امروز صاحبان خطوط آهن، قایق‌های بخاری و هتل‌ها در جنوب در مقابل ما نشان می‌دهند نشانی از پیشرفت ما است. این‌ها با سیاهان درمانده مخالفتی ندارند؛ این‌ها مخالف سیاهان تحصیل کرده، با فرهنگ و برانزده‌اند. سیاهی که برای خودش احترام قائل نباشد؛ که نتواند رفاه خود و خانواده‌اش را تأمین کند؛ که بیکاره و خانه‌بدوش باشد، هدف حمله این‌ها نیست؛ او دقیقاً همان جایی است که آرزوی دشمنانش است. شاید بگویید این وضعیت ثابت می‌کند تحصیل، ثروت و برانزگی تأثیری بر وضعیت سیاهان ندارد. پاسخ این است که «تا پریشان نشود کار به سامان نرسد». ... همه کسانی که یک‌شبه از فرودستی به فراستی می‌رسند به‌ناچار یک دوره آزمایشی را پشت سر می‌گذارند؛ در آغاز آن‌ها را به عنوان «تازه‌به‌دوران‌رسیده» به بازی نمی‌گیرند، اما «تازه‌به‌دوران‌رسیده‌های» یک نسل، نخبگان نسل بعدی می‌شوند. تاریخ نژاد برجسته آنگلساکسون باید برای سیاهان سرمشقی باشد تا هرگز امید

خود را از دست ندهند و همیشه در کار و کوشش ساعی باشند. آنگلو ساکسون‌ها زمانی برده نورمن‌ها<sup>۷</sup> بودند، [نورمن‌ها] آن‌ها را تحقیر و به آن‌ها توهین می‌کردند، به‌شان به چشم انسان‌هایی نگاه می‌کردند که خمیرمایه‌شان زمخت‌تر از نورمن‌های پرمدها بود، زبان‌شان را تحقیر و نفی می‌کردند؛ اما نگاه کنید ببینید نورمن‌های خودستا امروز کجا هستند؟ کدام مردم، کدام زبان و کدام قدرت امروز بر جهان حاکم است؟ خودتان مقایسه کنید!

امید من به آینده سیاهان بیش از هر چیز به دلیل پایداری و مقاومتی است که در این مردم نهادینه شده است. یک سیاه‌پوست هرگز تسلیم شکنجه، محرومیت یا مشقت نمی‌شود. او نه منقرض می‌شود و نه میدان را خالی می‌کند. او این‌جا ست و این‌جا خواهد ماند و تا زمانی که این‌جا ست از موهبت آموزش و پرورش، پیشرفت، تمدن و آیین مسیحیت شما بهره خواهد گرفت. امروز درخواست او از شما این است که در مسابقه زندگی به او فرصتی برابر دهید و درخواست او را، هرچند شاید امروز همه چیز تاریک و طوفان‌زده به نظر آید، بی‌پاسخ نگذارید.

---

۷- نورمن‌ها از اقوام وایکینگ‌های نورژ و قبایل فرانکین و ساکن شمال فرانسه بودند و در آن‌جا حکومتی خودمختار داشتند. سرزمینی را که نورمن‌ها در آن ساکن بودند نرماندی می‌خوانند. نورمن‌ها طی جنگ‌های متناوب قسمت‌های وسیعی از بریتانیا، جنوب ایتالیا، شمال آفریقا و مدیترانه را تصرف کردند و بر آن‌ها حکمرانی می‌کردند.



این لیتوگرافی با عنوان «فهرمانان نژاد غیر سفیدپوست» در سال‌های ۱۸۸۰ ترسیم شد. فردریک داگلاس در وسط و بروس و رولز، دو سناتور پیشین، در دو طرف او قرار داده شده‌اند. در حاشیه، تصویر سایر رهبران سیاه‌پوستان آمریکا همراه با آبراهام لینکلن، اولیس گرانت و جان براون دیده می‌شود.

